

آماده برای هر چالش تازه

یحیی سننوار که حالا هدف اول تروریست‌های اسرائیل است، به گفته خیلی‌ها در تونل‌های زیرزمینی غزه مستقر است و این همان جایی است

که اسرائیل از شروع جنگ غزه آنجا را کوبیده تا سزran حماس را شکار کند، اما نشانی از این سزran که بلدند چگونه در این کانال‌های زیرزمینی تردد و سلامتی خود و اطرفیان خویش را حفظ کنند، نیافته است. به این ترتیب حماس با انگشت گذاشتن روی نام سننوار، متذکر شده که اسرائیل نه تنها در یافتن سزran باهوش و مبارزه‌گر حماس ناگام مانده، بلکه حالا یکی از آنها را ارتقا یافته تا بالاترین مقام اجرایی این سازمان می‌بیند. سننوار در ترسیم نحوه حمله افسانه‌ای «طوفان الاقصی» به سزran در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ (۱۵ مهر ۱۴۰۲) و اجرایی کردن آن سهمی بسزا داشت و این حمله شوک‌آوری بود که تمام موجودیت پوشالی اسرائیل را لرزاند و آنها را از زمین و هوا و دریا در معرض تهاجم موشکی و شوکه‌کننده قرار داد و نه تنها حدود ۱۲۰۰ صهیونیست در این حمله حساب‌شده به هلاکت رسیدند، بلکه بیش از ۲۵۰ اسرائیلی هم به اسارت نیروهای حماس درآمدند. درست است که بعد از آن روز فراموش‌نشده‌ی رژیم سفاک تل‌آویو بیش از ۲۲ هزار فلسطینی را با بمباران شبانه‌روزی غزه شهید کرده و فزون‌تر از ۹۳ هزار مجروح را هم روی دست فلسطینی‌های شریف گذاشته، اما سننوار به عنوان یک لیدر نظامی و طراح جنگ‌های جاری در غزه، مردی از جنس مبارزه و رهبری حماسی نشان داده است؛ مردی که از هیچ چیز نمی‌هراسد و برای هر چالش پیش رو آماده است.

یک پست، سه گزینه

لایلا سورات، نویسنده جزوات «سیاست خارجی حماس» می‌گوید: گزینه‌ی سننوار به عنوان جانشین هنیه یک اقدام حساب‌شده و یک پیام‌رسانی ویژه به رژیم اشغالگر قدس بوده است. وی می‌افزاید: «حماس با انتقال سننوار به کانون تحركات خویش، عملاً به تل‌آویو متذکر شده است که از این پس باید روبه‌روی مردی بایستد که مسئول ترسیم و اجرای طوفان الاقصی بوده و نتیجه باید آماده خوردن سیلی‌های تازه و محکم‌تری باشد.»

به طور سنتی سنه مرکز قدرت و سه کانون ویژه تصمیم‌گیری‌ها در حماس وجود دارد؛ یکی از این مراکز در بیرون از حوزه فلسطین قرار دارد، دیگری در کرانه غربی مستقر شده و سومی در غزه است. با این اوصاف چرخه انتخاب جانشین هنیه به سه نام محدود می‌شد؛ یکی خالد مشعل که پیش‌تر لیدر نمایندگی سیاسی حماس در شهر دوحه قطر بود، دیگری «ظاهر جبارین» معاون اجرایی این سازمان در بخش اشغال‌شده کرانه

سیاسی و سوم هم یحیی سننوار که وصف او را آوریوم و عملاً از سال ۲۰۱۷ به بعد فرماندهی نظامی حماس را برعهده داشته است.

باسم نعیم، یکی از مقام‌های ارشد حماس و وزیر بهداشت سابق تشکیلات خودگردان فلسطین می‌گوید: «انتخاب سننوار به عنوان فردی که از این پس در قیاس با سایر گروه‌های «مقاومت» در منطقه همین نکته است؛ داشتن تعجب‌ناراد و برعکس این‌گزینش درست براساس عرف و اصولی صورت پذیرفته که در حماس رواج دارد و مبنای استقلال‌ها و نانیفست کاری آنهاست.

دلیل موفقیت طولانی مدت حماس در قیاس با سایر گروه‌های «مقاومت» در منطقه همین نکته است؛ داشتن روحیه ندادن و برعکس این‌گزینش درست براساس عرف و اصولی صورت پذیرفته که در حماس رواج دارد و مبنای استقلال‌ها و نانیفست کاری آنهاست. دلیل موفقیت طولانی مدت حماس در قیاس با سایر گروه‌های «مقاومت» در منطقه همین نکته است؛ داشتن تعجب‌ناراد و برعکس این‌گزینش درست براساس عرف و اصولی صورت پذیرفته که در حماس رواج دارد و مبنای استقلال‌ها و نانیفست کاری آنهاست. دلیل موفقیت طولانی مدت حماس در قیاس با سایر گروه‌های «مقاومت» در منطقه همین نکته است؛ داشتن تعجب‌ناراد و برعکس این‌گزینش درست براساس عرف و اصولی صورت پذیرفته که در حماس رواج دارد و مبنای استقلال‌ها و نانیفست کاری آنهاست.

دلیل موفقیت طولانی مدت حماس در قیاس با سایر گروه‌های «مقاومت» در منطقه همین نکته است؛ داشتن تعجب‌ناراد و برعکس این‌گزینش درست براساس عرف و اصولی صورت پذیرفته که در حماس رواج دارد و مبنای استقلال‌ها و نانیفست کاری آنهاست.

دلیل موفقیت طولانی مدت حماس در قیاس با سایر گروه‌های «مقاومت» در منطقه همین نکته است؛ داشتن تعجب‌ناراد و برعکس این‌گزینش درست براساس عرف و اصولی صورت پذیرفته که در حماس رواج دارد و مبنای استقلال‌ها و نانیفست کاری آنهاست.

اسرائیل حالا با نیرویی یکدست‌تر و کوبنده‌تر طرف است

سننوار رزمنده ذاتی لیدر حماس

برخی محافل غربی می‌پرستد چرا حماس، یحیی سننوار را به عنوان جانشین اسماعیل هنیه که اخیراً به دست رژیم غاصب صهیونیستی شهید شد، برگزیده اما پاسخ این سؤال این است که این سازمان با یکی کردن دفتر سیاسی یا شاخه نظامی اش، هشدار روشن و محکمی به نسل‌کش‌های تل‌آویو داده و متذکر شده که از این پس با مبارزهای شدیدتر و روندی قاطع‌تر روبه‌رو خواهد شد. سننوار قبل از تصدی پست رئیس دفتر سیاسی حماس، مسئول اول این سازمان در جنگ غزه و مدیر و طراح نحوه مبارزه جویی رزمندگان حماس در مقابل با سربازان رژیم نامشروع تل‌آویو بود ولی حالا با تصدی هر دو پست، مسئولیت‌های آنها را با یکدیگر ادغام می‌کند و به تبع آن طرف اسرائیلی را با خطرات بالقوه‌تری روبرو می‌سازد. این بدان معناست که جنبش حماس زیر فشار اسرائیل خم به ابرو نیآورده و خیال ندارد مواضع اش را از دست دهد و برعکس بر نیروی تهاجمی خود صد چندان خواهد افزود. خالد هروب، تحلیلگر مسائل خاورمیانه می‌گوید: «پیام حماس به اسرائیلی‌ها روشن و با صراحت کلام همراه است. برای کل نیروهای مقاومت این یک گام بلند رو به جلوست.»



سفاک صهیونیستی او را به این اتهام که بعضی خائنان پنهان‌شده در جمع فلسطینی‌ها را شناسایی و آنها را از صحنه حذف کرده، بازداشت کرد و به همین دلیل به مدت ۲۳ سال پشت میله‌های زندان نگه داشت. با این حال سننوار از پوشش‌ها و جست‌وجوهای خود دست برنداشت و اولین واحد اطلاعاتی و کشف حقایق را در جمع فلسطینی‌ها بنیانگذاری کرد که نام آن را «مجد» گذاشتند. سننوار در سال‌های طولانی حبس نیز هرگز از فعالیت و آموختن غافل نشد و زبان عبری را فرا گرفت تا بتواند روزنامه‌های اسرائیلی را بخواند و از این طریق پیش از پیش به اهداف و نقشه‌های کاری آنان پی ببرد و بتواند اقداماتی را برای بی‌اثر کردن آنها طراحی کند.

مبارزاتی که در قلب حادنه می‌ماند

در سال ۲۰۱۱ سزranجام سننوار از زندان آزاد و در جریان معاوضه اسرای دو طرف (اسرائیل و فلسطین) با یکی از افسران ارتش یی‌رحم صهیونیستی معاوضه شد و به جمع «همرزم»‌های خویش بازگشت. بدیهی بود که سننوار بعد از رهایی از زندان، فعالیت‌هایش را افزون و مدیریت نیروهای مختلف جهادی در فلسطین را ازبازایی کند و نه تنها به آنها طرح‌های مبارزاتی مؤثرتری دهد، بلکه برای حماس نیز زین‌گذاری‌های نظامی تازه‌تری را تدوین و اجرایی کند. خالد هروب که پیش‌تر هم از نقل قولی در توصیف سننوار آمد، می‌گوید: «سننوار طی سال‌های اخیر در بحث‌های نظامی و تدوین طرح‌های تهاجمی به رژیم جعلی تل‌آویو هر چه فعال‌تر و بازرت‌تر شد و همسو با آن بر حجم تأثیرگذاری خود در غزه افزود و بیش از پیش به چشم خورد. سننوار سزراور این ارتقای درجه و افزایش توجه عمومی به وی بود. او هم‌اینگ بازرترین و موفق‌ترین مردی است که می‌تواند به عملیات جهادی حماس نظم و دقت بخشد و به جنبش جهاد اسلامی هم که شریک کوشای حماس طی جنگ ۱۱ ماهه غزه بوده، خط فکری و برنامه مبارزاتی دهد. حالا اسرائیلی‌ها هم فهمیده‌اند که بالاتر رفتن پست تشکیلاتی سننوار بدین معناست که نه تنها فلسطینی‌ها قصد ترک غزه را با وجود تمامی ویرانی‌های حاصل آمده در آنجا ندارند، بلکه در همان عرصه و در کانون حادنه می‌مانند تا نسل‌کش‌های اسرائیلی را از پای درآورند و به بزرگ‌ترین پاکسازی قومی سنوات اخیر جهان پایان بخشند.»

حماس در مقام «ید واحد»

از دید «باسم نعیم» نیز کاملاً بدیهی و قابل درک است که چرا حماس

تصمیم گرفته کانون مبارزات با دار و دسته‌های آدمکش بنیامین نتانیاهو را در همان غزه نگه دارد، زیرا در همین جاست که قلب فلسطینی شریف می‌تپد و به کل سرزمین‌های اشغالی برای داشتن فردایی بهتر امید می‌بخشد. وی می‌گوید: «حالا همه گروه‌های مقاومت و مردم فلسطین نیک می‌دانند که به کجا باید رفت و به کدام نیرو باید به عنوان کانون مبارزاتی نگریست و جزئی از آن شد. اضافه بر این، سننوار می‌تواند بین هسته مرکزی حماس و نیروهای مستقر در بیرون یک پل ارتباطی برقرار و آنها را متحد و یکی کند.» البته هدایت مستقیم حماس در زمینه عملیات نظامی‌اش از مدت‌ها پیش در دست‌های سننوار بود و او بود که خطوط مبارزاتی آنها را ترسیم می‌کرد و این در همان عصری بود که هنیه کارهای اداری حماس را هدایت می‌کرد و به عنوان رئیس دفتر سیاسی این سازمان، سیاست‌های انتخابی آنان را مدیریت می‌کرد و به مرحله اجرا درمی‌آورد. در آن دوره برخی تفرق‌ها در روال‌های کاری حماس بازگشت. بدیهی بود که سننوار بعد از رهایی از زندان، فعالیت‌هایش را افزون و مدیریت نیروهای مختلف جهادی در فلسطین را ازبازایی کند و نه تنها به آنها طرح‌های مبارزاتی مؤثرتری دهد، بلکه برای حماس نیز زین‌گذاری‌های نظامی تازه‌تری را تدوین و اجرایی کند. خالد هروب که پیش‌تر هم از نقل قولی در توصیف سننوار آمد، می‌گوید: «سننوار طی سال‌های اخیر در بحث‌های نظامی و تدوین طرح‌های تهاجمی به رژیم جعلی تل‌آویو هر چه فعال‌تر و بازرت‌تر شد و همسو با آن بر حجم تأثیرگذاری خود در غزه افزود و بیش از پیش به چشم خورد. سننوار سزراور این ارتقای درجه و افزایش توجه عمومی به وی بود. او هم‌اینگ بازرترین و موفق‌ترین مردی است که می‌تواند به عملیات جهادی حماس نظم و دقت بخشد و به جنبش جهاد اسلامی هم که شریک کوشای حماس طی جنگ ۱۱ ماهه غزه بوده، خط فکری و برنامه مبارزاتی دهد. حالا اسرائیلی‌ها هم فهمیده‌اند که بالاتر رفتن پست تشکیلاتی سننوار بدین معناست که نه تنها فلسطینی‌ها قصد ترک غزه را با وجود تمامی ویرانی‌های حاصل آمده در آنجا ندارند، بلکه در همان عرصه و در کانون حادنه می‌مانند تا نسل‌کش‌های اسرائیلی را از پای درآورند و به بزرگ‌ترین پاکسازی قومی سنوات اخیر جهان پایان بخشند.»

آینده‌ای که کوتاه‌تر و سیاه‌تر شد

روزنامه دیلی تل‌گراف انگلیس در گزارشی متذکر شده که ارتقای درجه سننوار و تبدیل شدن او به مرد اول اجرایی حماس و مغز متفکر و در عین حال سردار جنگی آن، رویدادی کاملاً قابل پیش‌بینی بود. این روزنامه آورده است: «سننوار یک رزمنده ذاتی و مردی است که با حس و بسوی گروه‌های مقاومت رشد کرده است و در نتیجه سپردن بخش عظیم‌تری از کارها به وی، بر وحدت عمل فلسطینی‌ها می‌افزاید. آنها‌یی که مدعی‌اند بخش‌های مبارزاتی مستقر در بیرون از غزه کاملاً فعال و تأثیرگذار بوده‌اند، دچار اشتباه محاسباتی شده‌اند زیرا این گروه‌ها هیچگاه تأثیری را بر روند مبارزاتی منطقه نداشتند که از نیروهای مستقر در غزه و حاضر در کانون ماجرا مشاهده می‌شد. به این ترتیب با یکی شدن کل نیروهای مقاومت توسط سننوار، هر دو طرف ماجرا سود خواهند برد زیرا هم نیروهای بیرونی فعال‌تر و اثرگذارتر می‌شوند و هم با مشارکت آنها با واحدهای مقاومت مستقر در

ویژه

۹

مبارزات

مبارزات

قلب غزه، بر قدرت و کارایی کل این واحدها افزوده می‌شود. اکنون همه گروه‌های مقاومت و سازمان‌های ملی در غزه دریافته‌اند که مرکزیت امور و اداره تمام روند‌های مبارزاتی با حماس است و به حرف‌های سننوار باید گوش سپرد.» دیلی تل‌گراف افزوده است: «اوجگیری تدریجی سننوار از سال ۲۰۱۳ شروع شد و این همان تاریخی بود که او وارد شورای مرکزی حماس شد و شروع به طراحی‌های تازه برای این سازمان کرد. امروز هم برنامه مبارزاتی حماس همانی است که سننوار در ذهنش داشت، اما او نیروها و نفراتی بیشتر را برای اجرای مپیئه آنها در دسترس‌های بیشتری خواهد افتاد، زیرا با سازمانی طرف خواهد بود که یکپارچه‌تر و تواناتر و دارای نیروهایی بیشتر از گذشته است. شاید تل‌آویو هنوز متوجه عواقب تلخ حذف کردن هنیه نشده باشد، اما بزودی با شدت گرفتن حملات کوبنده‌تر از گذشته حماس، درخواهد یافت که با بیرون راندن هنیه از معادلات نوعی خودزنی را مرتکب شده و آینده سیاسی خود را کوتاه‌تر و سیاه‌تر کرده است.

مهای پیمودن راهی طولانی‌تر

انتخاب سننوار و آغاز به کار او اکثر کشورهای دیگر منطقه و جناح‌های ناظر را هم راضی ساخته و مهر تأیید آنها را بر خود دیده است. سوریه، عراق، یمن و البته ایران از این رویداد استقبال کرده‌اند و بر این باورند که ارتقای درجه سننوار، حماس را به میزانی از کارایی و یکدستی می‌رساند که در دهه گذشته کم‌سابقه بوده است. در عین حال کشورهای مثل عربستان و امارات با وجود همه تلاش‌های سالیان اخیر خالد مشعل، حاربه تغییر موضع منفی خود نسبت به حماس نشده و به تبع آن از هرگونه اظهارنظری هم‌پیرامون انتصاب سننوار به عنوان جانشین هنیه خودداری کرده‌اند. برخی می‌گویند، اگر خالد مشعل نپذیرفت که رهبر حماس شود و در این راه بکوشد، یکی از دلایل اصلی آن، راه نیامدن این گونه کشورها با مواج منطقی‌تر و منصفانه‌تر حاکم بر منطقه بود. خالد مشعل رابطه حسنه‌ای با یشار اسد، رئیس‌جمهور سوریه هم نداشته است و این دیگر عاملی بود که اجازه نداد وی به سمت رئیس دفتر سیاسی حماس نائل آید. با این حال آنچه پس از رسیدن سننوار به قدرت بیشتر در حماس به چشم می‌خورد، این است که این سازمان برای ادامه راهی طولانی‌تر کاملاً مهیاست؛ راهی که پایان آن می‌تواند برچیده شدن کل بساط منحن صهیونیسم از منطقه باشد.

منبع: Middle East Eye



ذکاوتش جبهه مبارزه حماس را زنده نگه داشته است. بنابراین، یحیی سننوار نه تنها برای فلسطینی‌ها بلکه برای حامیان فلسطین یک چهره رؤیایی است. او همان کسی است که فلسطینی‌ها اعتقاد دارند وعده صادق می‌دهد؛ سننوار سال ۲۰۲۳ گفته بود بزودی سراغ اسرائیلی‌ها خواهد رفت و فلسطین را به مسیر آزادی خواهد برد.

رهبری یحیی السنوار، عملیات

فشار روی اسرائیل

یکی از اصلاخ فشار روانی روی رژیم صهیونیستی، انتخاب غافلگیرانه سنوار به عنوان رهبر سیاسی حماس و تلفیق شاخه سیاسی و میدانی این جنبش برای روبرویی با اشغالگران بود. اکنون که رژیم صهیونیستی در دستنهایی به اهداف اعلامی خود چون حذف حماس یا حتی به طور متعادل در شمالی مهار حماس ناگام مانده، این خبر که نشانی از میدانی‌تر شدن فعالیت‌های حماس در بر داشته، پیام هولناکی را برای آنها صادر کرده است. وی تمام سیاست‌های تل‌آویو را در ۱۰ ماه گذشته به چالش جدی کشانده و



محوری ترین

عاملی که جنگ روانی علیه اسرائیل را رقم زده، در دست داشتن محاسبات اولیه و قدرت تصمیم‌گیری در جبهه مقاومت است. به تعبیری مقاومت در مرحله کتش و به تبع آن جبهه صهیونیستی-امریکایی در واکنش قرار گرفته و انتظار کشیدن از نوع حملات تلافی جویانه خود در تلافی جویانه در قبال ترور، یک جنگ ترکیبی علیه آنها ایجاد کرده است

کشورهای منطقه از سیاست‌های حمایتی آمریکا از اسرائیل بر کارکرد سیاست‌های آمریکا در منطقه تأثیر گذاشت. حمایت آمریکا از جنایات رژیم صهیونیستی یحویبی توانست بازتعریف عیان‌تری از تناقض رفتاری آمریکا در قبال ارزش‌های انسانی جنگ طلبانه این کشور را به مردم

مشروع برای ایران محفوظ خواهد بود و این ارتباطی با آتش بس غزه ندارد؛ اما پاسخ تهران در زمان و به‌گونه‌ای صورت می‌گیرد که لطمه‌ای به آتش بس احتمالی نزند.

شکست استراتژی‌های آمریکا در غرب آسیا

یکی از ریشه‌های جنگ روانی موجود که توسط آمریکا قویاً تعقیب می‌گردد، ناگامی این کشور در پیاده‌سازی استراتژی‌های خود در غرب آسیا و کاهش نفوذ سیستماتیک آن در استراتژیک‌ترین مناطق دنیا است. مسیر این ناگامی البته در دهه‌های گذشته به طور پویا و شهادت‌هنیه به راه اندازند. این امریکا از افغانستان و شکست جنگ جهانی علیه سوریه از نمونه‌های بارز آن است. طوفان الاقصی نیز به عنوان نقطه عطفی در این مسیر نزولی و به دنبال آن خیزش مقاومت برای برقراری امنیت و ثبات در غرب آسیا و مهار رژیم صهیونیستی و از سوی دیگر انزجار عمومی در کشورهای عرب و دیگر

و پهبادی حزب‌الله و مقاومت یمن به اتاق فکر تل آویو قلمداد می‌شود. به اعتراف بسیاری از ناظران سیاسی نتیجه جنگ در غزه به هر نحو که باشد یک شکست تمام عیار برای اسرائیل خواهد بود. این رژیم از یک سو نمی‌تواند شکست خود را بپذیرد و از سوی دیگر مجبور است با مقاومت مذاکره کند، از این رو برای فرار از پذیرش شکست خود، دست به ترور، قتل‌عام، ویرانی و تخریب می‌زند. علاوه بر آن، ترور در برافروختن و تقویت انگیزه در مقاومت و مردم نقش اساسی دارد و از این رو یک کاتالیزور در جبهه جنگ محسوب می‌شود. بنابراین، بر خلاف باور مقامات اسرائیل ترور نه تنها جنگ روانی علیه مقاومت را مهار می‌کند که خود نشانه‌ای آشکار از تحلیل رفتن قوای میدانی و سیاسی اسرائیل و امریکاست.

ابتکار عمل در دست ایران و جبهه مقاومت

محوری‌ترین عاملی که جنگ روانی علیه اسرائیل را رقم زده، در دست داشتن محاسبات اولیه و قدرت تصمیم‌گیری در جبهه مقاومت است. به تعبیری مقاومت در مرحله کتش و به تبع آن جبهه صهیونیستی-امریکایی در واکنش قرار گرفته و انتظار کشیدن از نوع حملات تلافی جویانه در قبال ترور یک جنگ ترکیبی علیه آنها ایجاد کرده است. در این بین عدم برآورد چشم‌انداز و آینده‌ای برای تحولات غیر قابل انتظار کنونی بروحشت و فشار روانی آنها افزوده است. از ابتدا طوفان الاقصی گروه مقاومت عملیات‌های خود را برپایه ارتقای پلکانی و مرحله‌ای حملات بنا نهاد. به تناسب زمان نیز حملات موشکی